

## ویژگی‌های «چپ نوین» کدامند؟

فاضل غیبی

در آستانه گذار از حکومت اسلامی پرسیدنی است که آیا جنبش چپ در آینده نیز در جامعه ایران حضور خواهد داشت؟ آیا با توجه به کارنامه جنبشی که در سده گذشته از شکستی به شکستی دیگر باعث شده هزاران تن از جوانان ایرانی مورد شدیدترین حملات ممکن قرار بگیرند، می‌تواند نقشی در آینده سازی کشور برعهده بگیرد؟

در دید تاریخی، هواداران سازمان‌های چپ بعنوان بخشی از جامعه ایران طبعاً از ویژگی‌های جامعه‌ای عقب مانده برکنار نبوده و در کنار دیگر اقشار، فراز و نشیب‌های تاریخ معاصر را همراهی کرده‌اند. واقعیت مهمتر اینکه، چند نسل از جوانان ایرانی بدین انگیزه جلب سازمان‌های چپ شدند، که تصور می‌کردند این جریان با کوشش‌های عدالتخواهانه از دیگر جریان‌های سیاسی و اجتماعی در راه خدمت به ایران موفق‌تر خواهد بود. بنابراین میهن دوستی و عدالتخواهی دو انگیزه پرتوانی است که چپ ایرانی با تکیه بر آنها می‌تواند به آغازی نوین دست یابد و در دوران گذار از حکومت جرم و جنایت نقشی شایسته به عهده گیرد. بدین سبب چند نکته زیر را به بحث می‌گذارم:

۱- جنبش چپ در اروپای سده ۱۹ م. با تکیه بر آرای مارکس و انگلس شکل گرفت، که بعنوان دو فیلسوف ادامه دهنده راه فلسفه انسان دوستانه و روشنگرانه از روسو تا هگل بودند. دیر نپایید که جنبش چپ بدین ویژگی به صورت جریانی نیرومند در اروپا گسترش یافت، که به کمک «اندیشه نقاد»، به پدیده‌های اجتماعی نگرشی نوین و متفاوت داشت. این جنبش بنا به مارکس، می‌بایست در کشورهای اروپایی با استفاده از نهادهای دمکراتیک به پیشرفت اجتماعی دامن زند. (کنگره لاهه ۱۸۷۲ م.) اما بلشویک‌ها پس از قدرت‌یابی در روسیه، برای حفظ قدرت، اندیشه انتقادی را در پای باورهای اعتقادی و حزبی قربانی کردند. بدین ترتیب جریانی که می‌توانست بویژه در کشورهای عقب مانده به کمک اندیشه نقاد به مبارزه با خرافات دامن زند، خود به مذهبی در همزیستی با مذاهب کهن اما با ظاهری مدرن بدل شد.

۲- جریان چپ بر حس همدردی با زحمتکش‌ان و محرومان استوار است، گرچه بجای تشویق هواداران به فعالیت عملی در راه بهبود اوضاع پیرامونی، بر فعالیت تبلیغی تمرکز کرده و هواداران را به باورمندانی بی‌عمل بدل می‌سازد، که تفاوتشان با باورمندان مذهبی تنها در نوع باورهاست. درحالیکه فعالیت عملی و بهبودبخش در هر محیطی، هم به رشد فکری و هم به شکوفایی استعدادها کمک می‌کند و هم جنبش چپ را به تبلور واقعی جنبشی انساندوستانه و ترقی خواهانه بدل می‌سازد.

۳- جنبش چپ با انحراف به کمونیسم روسی، مفاهیم مثبت انسانی، مانند همدردی، اندیشه‌ورزی نقادانه و میهن دوستی را مسخ و به مفاهیمی وارونه بدل ساخت. بنابراین نقد دگم‌های کمونیسم روسی می‌تواند این جنبش را در مسیری نوین قرار دهد و به نوزایی این جریان دامن زند. بعنوان نمونه، میهن دوستی والاترین انگیزه برای خدمت به جامعه است. از اینرو روا نیست که منافع ملی در برابر «منافع جنبش جهانی چپ» قربانی گردد و مادامیکه دنیا از واحدهای ملی تشکیل می‌شود، خدمت به پیشرفت اجتماعی و سیاسی در چهارچوب ملی ممکن است. هر ملتی در عین کوشش برای نزدیکی و همکاری با دیگر ملت‌ها از هویت و منافع ویژه‌ای برخوردار است و هر شهروندی، در درجه اول نسبت به ملت خود مدیون است و باید در راه پیشرفت هم‌میهنان خود احساس مسئولیت نماید.

۴- هواداری از جنبش چپ بعنوان جریانی برخاسته از دوران نوین، به رفتار و منش شهروندی نیاز دارد و کوشش برای دانش‌آموزی بدون پیش‌داوری، ایجاب می‌کند که جنبش چپ تجدیدنظر مکرر در داده‌ها را بعنوان ویژگی عادی بپذیرد. نمونه وار، مارکس و انگلس تصویری از اتوماسیون و تولید انبوه نداشتند و با توجه به سطح تکنولوژی سده ۱۹ م. تصور می‌کردند که صاحبان صنایع برای توسعه سرمایه ناگزیر از تشدید بهره‌کشی از نیروی کار خواهند بود. آنان برای جلوگیری از چنین روندی، مالکیت جمعی بر وسایل تولید را توصیه کردند. بدفهمی این خواسته

باعث شد که نقش بارز «سرمایه‌دار» در روند تولید و پیشرفت اقتصادی انکار شود و چنین جلوه داده شود که صاحبان نهادهای اقتصادی جز بهره‌گیری از نیروی کارگران برای انباشت سرمایه هدفی ندارند و حذف این «قشر انگلی» گامی بزرگ در جهت پیشرفت اقتصادی و تأمین عدالت اجتماعی خواهد بود. درحالی‌که تجربیات سده گذشته نشان داده است، که دانش، ابتکار و پشتکار «سرمایه‌داران» در پیدایش و رشد نهادهای تولیدی نقشی بارز دارد. فراتر از این، برعکس آنچه تبلیغات کمونیسم روسی ادعا می‌کند، صاحبان صنایع و فعالان عرصه تجارت باید از ویژگی‌های اخلاقی نیکی برخوردار باشند، زیرا در غیراینصورت مورد اعتماد (که پیش شرط داد و ستد و فعالیت اقتصادی است) قرار نمی‌گیرند. البته کوشش برای جلوگیری از انباشت ثروت غیرتولیدی در کنار مبارزه برای بهبود اوضاع زندگی زحمتکشان از وظایف والا و عاجل فعالان جنبش «چپ نوین» است.

۵- بررسی نقادانه نظام سرمایه‌داری از سوی مارکس بدین سؤ تفاهم دامن زد، که او سرمایه‌داری را مانعی در راه رشد جوامع تشخیص داده بود. درحالی‌که نه تنها او و دیگر اندیشمندان بزرگ چپ، مانند گرامشی و رزا لوکزمبورگ، بلکه جریان عظیم سوسیال دموکراسی در کشورهای پیشرفته نشان داد، که نظام سرمایه‌داری نه تنها تا بحال مواهب بسیار بزرگی را نصیب بشر ساخته، بلکه امروزه برای کوشش در راه تأمین هرچه بیشتر عدالت اجتماعی و دموکراسی سیاسی در چهارچوب سرمایه‌داری، هنوز هیچ گزینه انسانی‌دوستانه‌ای وجود ندارد. خیانت بزرگ کمونیسم روسی به زحمتکشان دنیا این بود که درهم شکستن «ماشین دولتی» را راه انقلابی برای دگرگونی سوسیالیستی دانستند و هرچا با حرکت‌های کودتاگرانه قدرت را در دست گرفتند، بخش بزرگی از دستاوردهای مدنی را از میان بردند. بنابراین با توجه به تجربیات تاریخی، وظیفه چپ نوین فعالیت برای گسترش دموکراسی در همه نهادهای اجتماعی و بالابردن سطح رفاه زحمتکشان است. چپ نوین از این راه، با درک نیازهای زمانه و طرح خواسته‌های ممکن به موتور پیشرفت اجتماعی بدل خواهد شد.

۶- مارکس درباره «برداشت سطحی از نقد بر سرمایه‌داری» Vulgar Marxism هشدار می‌داد. پس از او، از لنین تا جک لندن و از ماکسیم گورکی تا آنا تول فرانس در مورد مارکسیسم به ساده‌انگاری‌های فاجعه‌انگیزی دچار شدند. تا آنکه قدرت‌یابی کمونیسم روسی باعث شد که نظریه‌ای انسان‌دوستانه در دست مشتاقان قدرت‌طلب، از استالین تا مائو و از پول‌پوت تا چائوشسکو، دستاویز ارتکاب به جنایات بزرگی شود و در شرق و غرب دنیا آتش جنگ‌های پرشماری را برافروزد. خوشبختانه در ایران، اندیشمندان میهن‌دوست بسیاری، از سلطان‌زاده تا ارانی و از خلیل ملکی تا جزنی، در راه بکارگیری خلاقیت مارکسیستی برای خدمت به ایران کوشیدند، که گرچه به سبب عقب‌ماندگی جامعه قرین موفقیت نشد. اما امروزه با استفاده از اندیشه‌های آنان می‌توان در راه گسترش داد و خرد در ایران‌زمین، جنبش نوینی را آغاز کرد.

۷- یکی از بدترین و متناقض‌ترین انحرافات که کمونیسم روسی به جنبش چپ تحمیل کرد، همانا فساد اخلاقی است. از دیرباز فلسفه و اخلاق همزاد و همگام بودند و مارکسیسم نیز بعنوان مکتبی فلسفی، بویژه بدان که در راه عدالت اجتماعی و بهبود اوضاع زندگی انسان می‌کوشد، در این میان استثنا نیست. اما کمونیسم روسی از یکسو به منظور خائن‌پروری در «احزاب برادر»، ماکیاولیسم سیاسی را رواج داد و هر وسیله‌ای را برای کسب نفوذ و قدرت مجاز دانست. از سوی دیگر، عدالت اجتماعی را که تنها در پیامد پیشرفت و شکوفایی اقتصادی قابل تحقق است، به تقسیم ثروت محدود کرد و به حسد اجتماعی دامن زد. بر چنین زمینه‌ای در «احزاب برادر»، در نهایت «آپاراتچیک»‌ها سرنوشت اعضا و هواداران را رقم زدند و همه جا جز شکست و حرمان به بار نیاوردند. بدین سبب رعایت موازین اخلاقی و بویژه بازیافت راستی و درستی ایران‌شهری باید در بازسازی چپ نوین از اهمیتی ویژه برخوردار باشد.

۸- انحراف دیگر کمونیسم روسی تبدیل احزاب چپ، به «مشت آهنین» برای تسخیر قدرت سیاسی بود و هوادارانی که به انگیزه همدردی اجتماعی به آرمان چپ روی آورده بودند، به فعالیت‌های ستیزه‌جویانه و ضد اخلاقی وامی‌داشتند! اما تجربیات تلخ و خونین تاریخی نشان داد که هیچگونه پیشرفت اجتماعی و حتی بهبود ناچیز اوضاع

زحمتکشان با توسل به زور و خشونت ممکن نیست و همه گام‌های مؤثر و ماندنی در این راه، تنها با تفاهم و نزدیکی میان طرف‌های درگیر ممکن است. بدین سبب «چپ نوین» باید با قاطعیت هر نوع ستیزه‌جویی را رد کند و با تکیه بر ابتکارات اقناعی، نه تنها جاذب زحمتکشان، بلکه همه انسان‌دوستان از همه اقشار اجتماعی باشد.

فشرده: از مطالب بالا می‌توان جمع بست که چپ نوین در صورت غلبه بر کژاندیشی‌ها می‌تواند از نقشی بسیار مثبت و چشم‌نابوشیدنی در روند پیشرفت اجتماعی برخوردار باشد. وابستگان به جنبش چپ نوین، شهروندانی مدرن‌اندیش‌اند که رها از پیشداوری و ساده‌انگاری، به موانع رشد مادی و معنوی جامعه برخوردی نقادانه دارند و در هر جایگاهی می‌کوشند در زندگی خانوادگی، فعالیت شغلی و کوشندگی شهروندی با گام‌های بزرگ و کوچک برای بهبود محیط اجتماعی شریک باشد. «چپ نوین» شهروندی است با وجدانی بیدار، که کسب دانش و آگاهی فرهنگی را از اهداف والای زندگی می‌شمرد و می‌کوشد دین خود را به جامعه‌ای که در آن بالیده و از مواهبش بهره‌مند شده ادا کند. امروزه شاید هیچ کشوری در دنیا به اندازه میهن ما با مشکلاتی سخت و جدی روبرو نباشد. غلبه بر این مشکلات به زنان و مردانی بالغ و جدی نیاز دارد.